

تحلیلی بر کنترل فضای عمومی در پارک‌های شهر تهران^۱

احمد پوراحمد* - استاد گروه جغرافیای انسانی دانشگاه تهران
کرامت‌الله زیاری - استاد گروه جغرافیای انسانی دانشگاه تهران
حسین حاتمی‌نژاد - دانشیار گروه جغرافیای انسانی دانشگاه تهران
حسن رضایی‌نیا - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران

تأیید مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۰۱

پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۴/۲۱

چکیده

یکی از روندهای تأثیرگذار بر تولید فضاهای عمومی معاصر، گرایش روزافزون به کنترل و نظارت بر این فضاهاست، اما تاکنون این روند کمتر مطالعه شده است. پژوهش توصیفی-تحلیلی حاضر با هدف «ارزیابی کنترل فضای عمومی و روش‌های آن در پارک‌های شهر تهران» و «بررسی دیدگاه کاربران این پارک‌ها در مورد کنترل فضای عمومی» در دو بخش انجام شد. محدوده مورد مطالعه، شامل پارک‌های ملت، لاله، رازی و پارک شهر است. داده‌ها نیز براساس مشاهده میدانی و پرسشگری از ۱۰۰ کاربر هر پارک گردآوری شد. با توجه به نتایج، کنترل فضای عمومی رابطه‌ای مستقیم با کیفیت فضای عمومی دارد. از میان پارک‌های مورد بررسی، پارک ملت و لاله کمترین درجه کنترل و پارک شهر و رازی بیشترین درجه کنترل را دارند. با اینکه پارک‌های شهر تهران به روش‌های سخت کنترل می‌شوند، کاربران آن‌ها عموماً خواهان کنترل فضا به روش‌های نرم هستند. همچنین زنان در مقایسه با مردان به استفاده از روش‌های کنترل نرم موافق‌ترند. در تشدید کنترل بر فضا نیز تنها کاربران پارک رازی، خواستار نظارت و کنترل بیشتر بر فضای پارک هستند که دلیل این امر امنیت پایین محله‌ای است که پارک در آن قرار دارد. در نهایت، کاربران هر چهار پارک با درجه بالایی از توافق، خواستار جلوگیری از ورود گروه‌های حاشیه‌ای مانند تکدی‌گران، کودکان کار و افراد بی‌خانمان به فضای پارک‌ها هستند. نتایج این مطالعه، ضرورت توجه به خواسته‌ها و منافع افراد و گروه‌های گوناگون را به عنوان بخشی از ذی‌نفعان فضا در فرایند مدیریت فضاهای عمومی نمایان می‌سازد.

واژه‌های کلیدی: پارک‌های شهری، تهران، فضای عمومی، کنترل فضا.

۱. این مقاله برگرفته از رساله مقطع دکتری حسن رضایی‌نیا با عنوان تبیین سازوکارهای تولید اجتماعی فضاهای عمومی در شهر تهران به راهنمایی دکتر احمد پوراحمد و دکتر کرامت‌الله زیاری در دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران است.

مقدمه

یکی از روندهای تأثیرگذار بر تولید فضاهای عمومی معاصر، گرایش روزافزون به کنترل و نظارت بر این فضاهاست (Francis, 2012: 147; Németh and Schmidt, 2011: 41; Carmona, 2010: 168; Van Melik et al., 2007: 25). فضاهای عمومی فضاهایی با دسترسی آزاد برای عموم هستند و باید برای هرکس بدون توجه به سن، جنسیت، قومیت یا سایر ویژگی‌ها قابل دسترس باشند (Altman and Zube, 2012: 1)، اما در زندگی واقعی چنین نیست و این فضاها تنها برحسب دسترسی بنا نشده‌اند، بلکه براساس کنترل و طرد نیز سازمان یافته‌اند؛ از این رو هر روز فضاهای عمومی بیشتری به فضاهای کنترل شده و اختصاصی (فضاهای شبه‌عمومی) تبدیل می‌شوند که تنها افرادی خاص می‌توانند به آن‌ها راه پیدا کنند (شفیعی و علیخواه، ۱۳۹۳: ۹۶).

از مهم‌ترین دلایل اعمال کنترل بر فضاهای عمومی، مسائل و نگرانی‌های امنیتی است. با اینکه تأکید بر امنیت برای خلق فضاهای عمومی موفق بسیار ضروری است، تمرکز بیش از حد بر امنیت و قراردادن آن در اولویت اول برنامه‌ریزی و مدیریت فضاهای عمومی، به دلیل پیامدهای منفی آن نقد شده است. از جمله این پیامدها محدود شدن تعامل اجتماعی و آزادی‌های شخصی، نظامی کردن فضای عمومی و حذف برخی گروه‌های اجتماعی از طریق قوانین، طراحی‌ها و سیاست‌هاست (Graham, 2011; Németh and Hollander, 2010; Davis, 2006; Kohn, 2004). همچنین گروهی از صاحب‌نظران معتقدند تأکید بیش از حد بر کنترل فضاهای عمومی، کیفیت زندگی گروه‌های حاشیه‌ای را کاهش می‌دهد و هم‌زمان سبب پسرقت زندگی اجتماعی و «پایان فرهنگ عمومی» می‌شود (Sennett, 2002; Banerjee, 2001; Mitchell, 1995; Sorkin, 1992).

به اعتقاد سنت، عرصه عمومی در شهرهای معاصر به‌طوری فزاینده از فضاهای عمومی مرده اشباع شده است (Sennett, 2002: 13). مراکز خرید، فضاهای عمومی شرکتی^۱ و جوامع دروازه‌دار،^۲ بخش جدایی‌ناپذیر از شهرهای مدرن هستند و به شکل‌گیری فضاهایی منجر شده‌اند که فلاستی (۲۰۰۱) آن‌ها را «فضاهای بازدارنده»^۳ می‌نامد (Flusty, 2001: 658). در فضاهای بازدارنده نوعی محیط دستوری و منظم خلق می‌شود که تابعیت از نظم موجود فضا، مورد انتظار صاحبان آن‌هاست و کسانی که «نامناسب» یا به‌نوعی «تهدید» تلقی شوند، از ورود به این فضاها محروم می‌شوند. میچل (۲۰۰۳) معتقد است که فضاهای عمومی عصر کنونی به‌جای اینکه «توسط ما» تولید شوند به‌طور فزاینده‌ای «برای ما» تولید می‌شوند؛ از این رو حق بر فضاهای عمومی به‌کمک تکنیک‌های کالایی‌سازی، کنترل و مقرراتی‌سازی آن نادیده گرفته و مصادره می‌شود (Paddison and Sharp, 2007: 92). این فرایندها درنهایت به کاهش عمومیت فضاهای عمومی منجر می‌شوند. به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، آثار این پدیده جوهره زندگی شهری را از بین می‌برد، به‌ویژه از نظر تجربه فضای عمومی و مواجهه با تفاوت‌ها (Lefebvre, 1991: 38)؛ زیرا مهم‌ترین کارکرد فضای عمومی، فراهم کردن فضای تجربه و فرصت‌هایی برای آشناسدن افراد و گروه‌های اجتماعی گوناگون با یکدیگر است. با این حال، نمی‌توان کنترل فضای عمومی را پدیده‌ای منفی دانست.

باید توجه داشت که کنترل با مزایا و معایبی همراه است. به‌کمک کنترل می‌توان مکانی برای مراقبت یا

1. Corporatized Public Spaces
2. Gated Communities
3. Interdictory spaces

نادیده گرفته شدن یافت یا مسئولیت کاربر برای یک مکان را تأمین کرد. با کنترل نکردن نیز می‌توان احساس غفلت و بی‌توجهی را افزایش داد. همچنین یک فرد یا گروه می‌تواند با کنترل، حق دسترسی یا استفاده از آن را برای گروه‌های دیگر منع کند (Francis, 2012: 162). همین چندبعدی بودن پیامدهای کنترل فضا پرداختن بیشتر به این موضوع را ضروری می‌کند.

تاکنون کنترل فضای عمومی در ادبیات دانشگاهی جهان، موضوع مطالعه رشته‌های گوناگون بوده است که هر یک از زاویه دید خود به موضوع نگریده‌اند و با رویکردهای مختلف آن را بررسی کرده‌اند، اما به جرئت می‌توان گفت در میان پژوهش‌های داخلی مطالعه‌ای که به‌طور مستقیم و شفاف به موضوع کنترل فضای عمومی پرداخته باشد وجود ندارد. تنها در برخی مطالعات حیطه امنیت شهری به‌طور ضمنی به این موضوع اشاره شده است و خلأ مطالعاتی در این حوزه کاملاً احساس می‌شود. از سوی دیگر، پژوهش‌های خارجی نیز بیشتر بر شیوه‌های کنترل فضاهای عمومی متمرکز شده‌اند. در این میان، دیدگاه‌های کاربران فضاهای عمومی به این موضوع نیز چندان مدنظر نبوده است. در واقع یکی از جنبه‌های مشارکت کاربران در فرایند تولید و مدیریت فضاهای عمومی، اطلاع از میزان موافقت آن‌ها با کنترل فضا است. کنترل فضای عمومی ارتباطی مستقیم با کیفیت فضای عمومی دارد؛ زیرا میزان آن می‌تواند بر میزان استفاده کاربران از فضا و چگونگی به‌کارگیری آن اثرگذار باشد که این مسئله تعیین‌کننده کیفیت فضای عمومی خواهد بود (Altman and Zube, 2012: 147). به عبارت دیگر، کیفیت فضای عمومی به دسترس‌پذیری آن برای طیف متنوعی از کاربران بستگی دارد. این دسترس‌پذیری، شامل مفهوم جامع‌تری از دسترسی است که فراتر از تفسیرهای سنتی دسترسی که امری فیزیکی و بصری بود، محسوب می‌شود. همچنین دربرگیرنده مفهوم «بازبودن» است که به صورت «آزادی یا توانایی افراد برای دستیابی به نیازهای اساسی خود برای حفظ کیفیت زندگی آن‌ها» تعریف شده است (Németh and Schmidt, 2011: 41). براین اساس و با توجه به موارد فوق، هدف از این مطالعه ارزیابی کنترل فضای عمومی در پارک‌های شهر تهران و بررسی دیدگاه‌های کاربران در این زمینه است؛ از این‌رو پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

۱. وضعیت پارک‌های منتخب در شهر تهران، از نظر میزان کنترل فضای عمومی و روش‌های آن چگونه است؟

۲. دیدگاه‌های کاربران پارک‌های مورد مطالعه در شهر تهران درمورد کنترل فضای عمومی چیست؟

دلیل انتخاب پارک‌های شهری برای مطالعه موردی این است که پارک‌ها به همراه خیابان‌ها، جزو عمومی‌ترین فضاهای شهری هستند. از این‌رو متغیرهای کنترل فضا در آن‌ها بهتر اندازه‌گیری می‌شوند. با این حال، پارک‌ها به دلیل داشتن ویژگی‌هایی از قبیل عملکرد اجتماعی و تفریحی بیشتر از خیابان، داشتن کاربران ثابت روزانه، داشتن خاصیت توقف‌پذیری بیشتر برای کاربران، داشتن مرزهای فیزیکی مشخص و داشتن کارکردهای مشخص که وجود حداقلی از کنترل را ایجاب می‌کند، برای موضوع این پژوهش مناسب‌تر از خیابان‌ها هستند.

مبانی نظری

رویکردهای عمده کنترل فضای عمومی

کنترل فضای عمومی موضوع رشته‌های گوناگونی است که هر یک به فراخور مرزهای علمی خود، به مطالعه جنبه‌هایی از آن پرداخته‌اند؛ برای مثال، روانشناسان به کنترل ادراک شده و کنترل تجربه‌شده توجه دارند (Francis, 2012: 148).

پژوهشگران علوم سیاسی نیز به مسئله کنترل سیاسی فضا و چگونگی برخورد دولت‌ها با فعالیت‌های سیاسی، اعتراض‌ها و مطالبات مردمی توجه می‌کنند. در پژوهش‌های شهری، سه رویکرد اساسی در مورد کنترل فضای عمومی وجود دارد: «محرومیت و فراگیری»، «امنیت» و «کیفیت محیط».

رویکرد محرومیت و فراگیری: در این رویکرد، هدف پژوهشگران انتقاد از سیاست‌هایی است که به حذف برخی گروه‌ها از فضاهای عمومی منجر می‌شوند. این سیاست‌ها با ایجاد فضایی با دعوت‌کنندگی کمتر برای برخی گروه‌ها و در مقابل تشویق دسترسی و استفاده برای گروه‌های دیگر، میزان عمومیت فضای عمومی را کاهش می‌دهند. سیبلی (۲۰۰۳) با استفاده از مفاهیمی مانند فضاهای باز و فضاهای بسته، چهارچوب مفهومی مفیدی برای درک میزان محرومیت، طرد و دفع فضاهای عمومی فراهم کرده است (اشرفی و پوراحمد، ۱۳۹۴: ۱۱۲). همچنین مالونه (۲۰۰۲) با تعدیل دیدگاه سیبلی از فضاهای باز و بسته، فضاها را با توجه به میزان پذیرش تفاوت و تنوع تعریف کرده است. براین اساس، مرزهای فضاهای باز (کارناوال‌ها، فستیوال‌ها، پارک‌های عمومی و...) تعریفی ضعیفی دارند و با ویژگی‌های ترکیب و تنوع اجتماعی مشخص می‌شوند؛ درحالی‌که در فضاهای بسته (کلیساها، بعضی مراکز خرید، مدارس و...) مرزها به خوبی تعریف شده‌اند. در عمل نیز اشیاء، مردم و فعالیت‌هایی که مطابقت ندارند، حذف می‌شوند. بنابراین فضاهای بسته به شدت درگیر نگهداری و تعریف مرزهای خودشان هستند (همان: ۴۵۱). یکی از محورهای این رویکرد، بحث در مورد چگونگی حضور گروه‌های حاشیه‌ای در فضاهای عمومی است. زنان خیابانی، مصرف‌کنندگان الکل، معتادان، بی‌خانمان‌ها، کودکان کار، فقرای شهری، اقلیت‌های جنسی و نژادی از جمله گروه‌های مسئله‌دار شهری محسوب می‌شوند که در مورد چگونگی حضور آن‌ها در فضاهای عمومی اتفاق نظری وجود ندارد. براساس برخی پژوهش‌ها، بی‌خانمان‌ها، گروه‌های نوجوانان اقلیت، سازمان‌های خیریه و معترضان سیاسی، جایگاهی در مراکز خرید بزرگ‌مقیاس آمریکا ندارند؛ زیرا گارد خصوصی و کارکنان امنیتی این مراکز از حضور این افراد جلوگیری می‌کنند (Kruppa, 1993). از دیدگاه زوکین، تولید فضاهای کنترل‌شده در نیویورک در دهه ۱۹۹۰ خواسته ساکنان طبقه متوسط شهر نیویورک برای بیرون‌راندن گروه‌های اجتماعی دیگر از فضاهای عمومی است (Zukin, 1995: 28). همچنین مطالعه دیویس نشان می‌دهد وظیفه پلیس در شهر لس‌آنجلس مبارزه دائمی با فقرا و بی‌خانمان‌ها برای جلوگیری از نفوذ آن‌ها به فضاهای عمومی و قلمرو ثروتمندان است (Davis, 1992: 155).

امنیت: فضا باید امن باشد؛ از این رو به کنترل و نظارت نیاز دارد. رویکرد امنیتی به کنترل فضاهای عمومی، از رویکردهای مهم در سال‌های اخیر است. این تأکید بر امنیت در سطح جهانی، به‌ویژه پس از وقایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تشدید شده است؛ به طوری که مدیران فضاهای عمومی، نگرانی در مورد حملات تروریستی را توجیهی برای افزایش کنترل رفتاری در فضاهای عمومی می‌دانند (Németh and Schmidt, 2011: 43)، اما از دیدگاه منتقدان، خطر تروریسم به فضاهای عمومی منحصر نیست و اگر در جامعه‌ای تروریسم وجود داشته باشد، تمام فضاهای آن را دربر خواهد گرفت. بدین سبب، منتقدان اغلب بر این باورند که نظارت یکی از ویژگی‌های تعیین‌کننده زندگی شهری پست‌مدرن است (Cuthbert, 1995: 294). از دیدگاه گی (۲۰۰۹)، شهرهای پست‌مدرن آمریکایی و حتی آسیایی (مانند توکیو و هنگ‌کنگ)، مدل‌هایی از کنترل و پلیسی‌سازی را در فضای عمومی و فضای مجازی اعمال می‌کنند. فضاهای

عمومی در این شهرها، عرصه‌های ترسناکی هستند که با انواع دوربین‌های مداربسته اشباع شده‌اند (Geyh, 2009: 92). سیبریسکی (۱۹۹۹) در علت‌یابی این مسئله استدلال می‌کند که نوع نگاه به جرم و جنایت، از نرخ واقعی آن مهم‌تر است؛ یعنی هم در میان مردم و هم در بین نهادهای مجری قانون، این نگرانی وجود دارد که میزان جرم و جنایت افزایش یافته و تروریسم تشدید شده است (Cybriwsky, 1999: 22).

کیفیت محیط: رویکرد کیفیت محیطی، بر ارتباط میان کنترل فضای عمومی با سرزندگی و مطلوبیت محیطی تأکید دارد. طراحان، برنامه‌ریزان و معماران بیشتر با این رویکرد، کنترل فضای عمومی را مطالعه می‌کنند؛ برای مثال لینچ، در کتاب تئوری شکل خوب شهر (۱۹۸۱) تأکید می‌کند که کنترل فضایی - یا نبود آن - پیامدهای روان‌شناختی قوی‌ای از جمله اضطراب، رضایت یا غرور دارد. او پنج فرم کنترل فضایی یعنی «حضور»، «استفاده و فعالیت»، «تخصیص»، «اصلاح» و «جایگزینی» را پیشنهاد می‌کند. براساس چارچوب پیشنهادی او کنترل فضا عبارت است از: توانایی یک فرد یا گروه برای دسترسی، استفاده، نفوذ، مالکیت و القای معانی خود به یک مکان یا فضای عمومی (Francis, 2012: 159).

در ادامه برخی پژوهش‌های تجربی مهم مرتبط با هریک از رویکردهای کنترل فضای عمومی مرور می‌شود.

جدول ۱. پیشینه تجربی مرتبط با کنترل فضای عمومی برحسب رویکردهای عمده

رویکرد پژوهش	پدیده‌آورنده و سال	خلاصه نتایج پژوهش
امنیت	Németh, 2010	چشم‌انداز امنیتی، ۳ تا ۳۵ درصد از فضای شهر نیویورک، لس‌آنجلس و سانفرانسیسکو را پوشش می‌دهد و در نیویورک شدیدتر است.
	Németh and Hollander, 2010	۲۷ درصد از فضای پیرامون دو محله در نیویورک امنیتی‌سازی شده است.
محرومیت و فراگیری	Oc and Tiesdell, 1999	تشریح نحوه به‌کارگیری چهار روش نظارت فیزیکی، نظارت پلیسی، نظارت مقرراتی و نظارت مردمی برای ایجاد احساس امنیت در شهرها
	Pennaya et al., 2014	سیاست طرد جغرافیایی مصرف‌کنندگان خیابانی الکل در استرالیا از طریق قوانین، به‌دلیل پیامدهای منفی آن بر زندگی اجتماعی باید بازنگری شود.
	Thörn, 2011	سیاست‌های پاک‌سازی بی‌خانمان‌ها از فضاهای عمومی شهر گوتنبرگ با عنوان «سیاست‌های نرم برای محروم‌سازی» تشریح شده است
کیفیت محیط	Németh, 2006	مقابله با اسکیت‌بازی نوجوانان در «پارک فیلاولفیا» نشان‌دهنده تعارض میان ارزش‌های مالکان فضا با رفتارهای عادی زندگی روزمره است.
	Németh and Schmidt, 2011	مقایسه کیفیت محیطی «سونی‌پلازا» و «پارک میدان واشنگتن» در نیویورک نشان می‌دهد پارک میدان واشنگتن، کیفیت مطلوب‌تری برای کاربران دارد.
	Schmidt et al., 2011	فضاهای عمومی پس از اصلاحات منطقه بندی ۱۹۷۰ در شهر نیویورک، به‌دلیل به‌کارگیری عناصر طراحی شهری، میزان استفاده کاربران را از دوره قبل از اصلاحات افزایش داده است، اما اعمال بیش‌ازحد قوانین و مقررات، موجب کاهش دسترسی عمومی به این فضاها می‌شود.
	Van Melik et al., 2007	سیاست‌های تولید فضای عمومی در هلند دو جهت‌گیری اصلی دارد: ایجاد فضاهای امن و ایجاد فضاهای فانتزی‌گونه و سرگرمی

روش‌های کنترل فضای عمومی

روش‌های کنترل فیزیکی فضا را می‌توان به دو دسته سخت (فعال) و نرم (غیرفعال) تقسیم کرد. روش‌های سخت شامل استفاده از دوربین‌های نظارتی، نیروی حراست و اقدامات قانونی برای جلوگیری از فعالیت‌ها و رفتارهای نامتعارف است. روش‌های نرم نیز بر اقدامات غیرمستقیم تمرکز دارند؛ مانند ایجاد محدودیت دسترسی به فضا در خارج از ساعات کاری، اقدامات کوچک طراحی شهری مانند کوبیدن میخ روی سطوح، حذف توالت‌های عمومی یا فروشندگان مواد غذایی که ممکن است کاربرانی نامطلوب را جذب کنند (Németh and Schmidt, 2011: 45). در ادامه، تکنیک‌های سخت و نرم تشریح می‌شوند:

۱. به‌کارگیری قوانین و مقررات: شامل اقدامات قانونی و نظارتی هستند که استفاده مناسب از فضا را نشان می‌دهند و تعیین می‌کنند که چه افرادی مجازند از فضا استفاده کنند. در واقع می‌توان گفت قوانین مهم‌ترین نشانه‌های فضا در «معنای اجتماعی» آن هستند (Németh and Schmidt, 2011: 45). از دیدگاه کوهن فضاهای عمومی خصوصی‌شده، قوانین متغیر و متناقض‌تری از فضاهایی عمومی با مالکیت دولتی دارند؛ زیرا قوانین را به‌صورت بسیار انعطاف‌پذیر و متنوع به‌کار می‌گیرند تا توهم «بازبودن» و «عمومی‌بودن» فضا را حفظ کنند؛ درحالی‌که حداکثر کنترل مدیریتی را در فضا اعمال می‌کنند (Kohn, 2004: 13).

۲. نظارت الکترونیک و استفاده از گشت‌های پلیس: استفاده از دوربین‌های نظارتی در سال‌های اخیر به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. نتیجه بیشتر پژوهش‌ها تأیید می‌کند که جرم و جنایت از مکان‌های دارای دوربین‌های نظارتی، به محل‌های بدون دوربین منتقل شده است (Németh and Schmidt, 2011: 46). با این حال، نظارت الکترونیکی نگرانی‌هایی را در مورد حریم خصوصی و آزادی‌های مدنی افراد پدید آورده است. از دیدگاه برخی منتقدان، مدیران از دوربین‌ها برای شناسایی و حذف کاربران نامطلوب تنها براساس ظاهر آن‌ها استفاده می‌کنند (Ellin, 1997: 153). وجود کارکنان امنیتی برای حفظ نظم، یکی دیگر از روش‌های محبوب کنترل فضا است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد افراد اغلب در حضور کارکنان امنیتی احساس امنیت می‌کنند، با این حال تأکید بیش‌ازحد بر امنیت، این سوءظن را ایجاد می‌کند که فضا به‌اندازه کافی امن نیست و بدون حضور پلیس این امنیت وجود ندارد (Whyte, 1990: 158). جکوبز (۱۹۶۱) با انتقاد از این روش‌ها معتقد است که «هیچ تعداد پلیسی نمی‌تواند تمدن را اجرا کند، اگر اجرای عادی و روزمره آن از بین رفته باشد» (Németh and Schmidt, 2011: 46).

۳. طراحی و تصویر: طراحی مثالی از کنترل نرم است که می‌تواند فراگیربودن فضا را کاهش یا افزایش دهد (Kohn, 2004: 7). منتقدانی مانند الین (۱۹۹۶)، میچل (۱۹۹۵) و دیویس (۱۹۹۲) معتقدند طراحان از قدرت خود برای تقویت یا زوال فضاهای عمومی استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر، با طراحی شهری می‌توان سازمان‌دهی بدن‌ها را به‌صورت اجتماعی و فضایی امکان‌پذیر کرد (Oc and Tiesdell, 1999: 265)؛ برای مثال، ممکن است در فضایی عمومی امکان استراحت بی‌خانمان‌ها و فقرای شهری روی نیمکت‌ها نباشد. دیویس خیابان‌های آمریکایی را «خیابان‌های سادیستی»^۱ می‌نامد که سخت‌بودن طراحی و معماری آن‌ها برای استفاده از فقرا از مشخصه‌های این فضاها به‌شمار

می‌آید (Davis, 2006: 223-224). وایت (۱۹۹۰) معتقد است که تکنیک‌های طراحی برای طرد کاربران در هر فضا کاملاً حساب شده استفاده می‌شود؛ زیرا بسیار مناسب‌تر و به‌صرفه‌تر از توسل به ابزارهای قانونی و قهریه برای کنترل فضاهای عمومی است (Whyte, 1990: 160). با وجود این، تکنیک‌های طراحی خاصیت تشویق‌کنندگی نیز دارند. به همین دلیل، مدیران با اقداماتی که تصویر فضای عمومی را بهبود می‌بخشد، کاربران بالقوه را جذب می‌کنند. چنین تکنیک‌هایی شامل ساخت آلاچیق‌های عمومی، ایجاد محوطه‌های فروش مواد غذایی یا کیوسک‌ها، تعبیهٔ صندلی‌های قابل‌جاب‌جایی، مجسمه‌ها و نمادهای هنری و توجه بیشتر به عوامل محیطی مانند آفتاب، باد، سایهٔ درختان و نورپردازی در شب است (Németh and Schmidt, 2011: 47).

۴. محدود کردن دسترسی‌ها و قلمروبندی: محدودیت دسترسی و جداسازی قلمرویی از دیگر تکنیک‌های نرم

است. تکنیک تقسیم قلمرو، با تعیین اینکه چه کسی می‌تواند وارد فضا شود و چه کسی نمی‌تواند، همچنین چه کسی می‌تواند در منطقه‌ای خاص بماند و چه کسی نمی‌تواند، کاربران را از یکدیگر تفکیک می‌کند. تکنیک‌های دسترسی را نیز می‌توان به سه نوع بصری، فیزیکی و نمادین تقسیم کرد (Carr et al., 1992: 122).

- دسترسی بصری: توانایی دیدن فضاست. از دیدگاه وایت (۱۹۹۰) مردم با اندکی مشاهدهٔ فضا و دانستن اینکه چه کسی و به چه شیوه‌ای از آن استفاده می‌کند، می‌توانند درک کنند که آیا در آن فضا احساس راحتی خواهند کرد یا خیر (Whyte, 1990: 129).

- دسترسی فیزیکی: شامل توانایی واقعی فرد برای ورود به فضاست. اگر مدیر فضایی عمومی، ورودی‌های فضا را مسدود کند یا درب‌های آن را قفل کند، دسترسی فیزیکی ممنوع می‌شود.

- دسترسی نمادین: به این معنی است که آیا فضا برای کاربران خوشایند است یا خیر. عبور از گیت، درب یا پست بازرسی می‌تواند سبب احساس ناراحتی در کاربران شود (Németh and Schmidt, 2011: 48).

براساس روش‌های چهارگانهٔ کنترل فضای عمومی، نیمیت و اشمید (۲۰۱۱) مدلی تجربی را برای ارزیابی میزان کنترل فضاهای عمومی ارائه دادند که ۲ سطح دارد و هر سطح نیز دارای ۱۰ متغیر مهم است. سطح ۱، شامل ویژگی‌هایی است که میزان کنترل کاربر در فضای عمومی را نشان می‌دهد و سطح ۲، ویژگی‌هایی دارد که میزان آزادی در استفادهٔ کاربر از فضا را می‌سنجد. براساس جدول ۲، به هر متغیر با توجه به شدت حضور آن در فضای عمومی امتیازی بین ۰ (کمترین مقدار) تا ۲ (بیشترین مقدار) اختصاص می‌یابد. نمرهٔ نهایی هر سایت، از تفریق مجموع امتیازهای سطح ۱، از مجموع امتیازهای سطح ۲ به دست می‌آید که عددی بین ۲۰ تا ۲۰- است. نمرهٔ ۲۰ نشان‌دهندهٔ بالاترین میزان آزادی در استفاده و کمترین میزان کنترل است. نمرهٔ ۲۰- نشان می‌دهد که فضا بیشترین میزان کنترل و کمترین آزادی را در استفاده دارد. از دیدگاه آن‌ها، در این روش تجربی ادعا نمی‌شود که احراز نمرهٔ خاصی در آن، نشان‌دهندهٔ کیفیت بالاتر فضای عمومی است، اما تأکید می‌شود که هر قدر کنترل رفتاری در فضای عمومی افزایش یابد، انتخاب‌های فردی کاهش می‌یابد و توانایی فرد برای احراز موقعیت مناسبی از کیفیت زندگی از بین می‌رود (Németh and Schmidt, 2011: 62).

جدول ۲. شاخص نیمیت و اشمید برای ارزیابی میزان کنترل فضای عمومی

سطح ۱، ویژگی‌های کنترل‌کننده کاربر		سطح ۲، ویژگی‌هایی مشوق آزادی در استفاده	
شرح	روش کنترل	معیارهای امتیازدهی	شرح
قوانین نوشتاری قابل مشاهده در فضا	قوانین	۰ = اصلاً وجود ندارد ۱ = یک تابلو یا نشانه نوشتاری از قوانین فضا ۲ = دو یا چند تابلو	علائمی که نشان‌دهنده عمومی بودن فضا هستند
قوانین خاص موضوعی و موردی	قوانین	۰ = اصلاً وجود ندارد ۱ = یک قانون قابل مشاهده وجود دارد ۲ = دو یا چند قانون قابل مشاهده وجود دارد	مالکیت و مدیریت عمومی فضا
نظارت در بخش‌های کسب و کار	نظارت و پلیسی‌سازی	۰ = اصلاً وجود ندارد ۱ = تنها با هدف نگهداری از فضا وجود دارد ۲ = با هدف نگهداری و امنیت وجود دارد	وجود سرویس بهداشتی
دوربین‌های امنیتی	نظارت و پلیسی‌سازی	۰ = اصلاً وجود ندارد ۱ = یک دوربین ثابت ۲ = دو یا چند دوربین ثابت یا متحرک	تنوع مکان‌های نشستن
کارکنان حراستی	نظارت و پلیسی‌سازی	۰ = اصلاً وجود ندارد ۱ = یک نگهبان خصوصی یا دو نفر کارمند امنیتی عمومی ۲ = دو یا چند نگهبان خصوصی یا بیش از دو کارمند امنیتی عمومی	تنوع اقلیمی
به‌کارگیری طراحی برای جلوگیری از استفاده‌های نامناسب	طراحی و تصویر	۰ = اصلاً وجود ندارد ۱ = یک کیوسک یا جایگاه اصلی ۲ = دو یا چند جایگاه یا یک جایگاه بزرگ‌تر در خارج از فضا	روشنایی برای تشویق به استفاده در شب
حضور پشتیبان و تبلیغات	طراحی و تصویر	۰ = اصلاً وجود ندارد ۱ = یک نشانه تبلیغاتی متوسط یا چند نشانه کوچک ۲ = یک نشانه تبلیغاتی بزرگ یا دو یا چند نشانه تبلیغاتی	عناصر هنری، فرهنگی و بصری
مناطق دارای استفاده محدود یا مشروط	دسترسی و قلمروبندی	۰ = اصلاً وجود ندارد ۱ = یک منطقه کوچک محدود شده به برخی از اعضای عمومی ۲ = منطقه بزرگ فقط برای مصرف‌کنندگان یا چندین منطقه محدود شده کوچک‌تر	دسترس‌پذیری ورودی‌ها
محدودیت ساعات کار	دسترسی و قلمروبندی	۰ = ۲۴ ساعته، باز بودن در طول هفته یا بیشتر روزهای سال ۱ = حداقل بخشی از فضا، در خارج از ساعت‌های کاری یا در روزهای تعطیل باز است ۲ = تنها در ساعات کاری باز است	جهت و شیب دسترسی

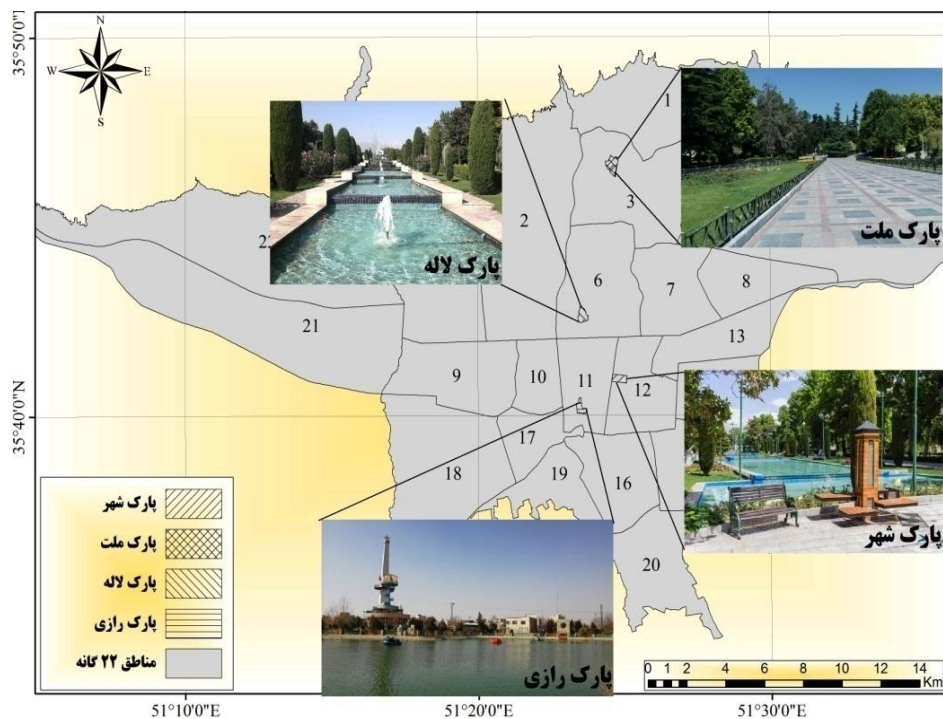
محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه این پژوهش، پارک‌های ملت، لاله، رازی و پارک شهر هستند که به ترتیب در منطقه ۳، ۶، ۱۱ و ۱۲ تهران قرار دارند و جزو پارک‌های درون‌شهری محسوب می‌شوند. این پارک‌ها براساس سه معیار مقیاس عملکردی پارک، قرارگیری در محدوده مرکزی شهر و وسعت انتخاب شدند. در واقع این پارک‌ها از نظر شعاع عملکردی، در مقیاس منطقه شهری عمل می‌کنند و در محدوده مرکزی شهر تهران قرار دارند؛ زیرا این محدوده علاوه بر داشتن نقاط ثقل جمعیتی زیاد، ویژگی دیگری نیز دارد و آن، استفاده‌های مکرر و روزانه مردم از پارک‌هاست که اهمیتی کلیدی به پارک‌های این محدوده بخشیده است. همچنین پارک‌های منتخب، از نظر وسعت مساحتی نزدیک به هم دارند که بین ۲۵ تا ۳۵ هکتار است. باید توجه داشت که پارک ملت و لاله از نظر موقعیت مکانی در مناطق توسعه‌یافته‌تر و پارک رازی و پارک شهر در مناطق کمتر توسعه‌یافته شهر تهران قرار دارند.

جدول ۳. مشخصات پارک‌های مورد مطالعه

نام پارک	موقعیت	وسعت	سال تأسیس	نوع مالکیت	کارکرد غالب
ملت	منطقه ۳ ناحیه ۲	۲۸۰.۰۰۰ مترمربع	۱۳۵۳	دولتی	تفریحی
لاله	منطقه ۶ ناحیه ۲	۳۳۰.۵۳۸ مترمربع	۱۳۴۵	دولتی	تفریحی
رازی	منطقه ۱۱ ناحیه ۴	۳۵۰.۰۰۰ مترمربع	۱۳۷۶	دولتی	فرهنگی و تفریحی
سنگلج (شهر)	منطقه ۱۲ ناحیه ۲	۲۵۰.۰۰۰ مترمربع	۱۳۲۸	دولتی	تفریحی

منبع: وبسایت سازمان بوستان‌ها و فضای سبز شهر تهران (<http://parks.tehran.ir>)



نقشه ۱. موقعیت مکانی پارک‌های مورد مطالعه در شهر تهران

منبع: نگارندگان بر مبنای نقشه پایه، Google Earth, 2018

روش پژوهش

این پژوهش ارزیابی و پیمایشی است. رویکرد مفهومی آن به مسئله کنترل فضای عمومی، ترکیبی از رویکرد محرومیت و فراگیری و رویکرد کیفیت محیطی است. با این فرض که کنترل متعادل و معقول سبب افزایش کیفیت محیطی و افزایش فراگیری فضاهای عمومی می‌شود، اما اعمال کنترل بیش‌ازحد، علاوه بر کاهش کیفیت محیطی این فضاها، آن‌ها را به فضاهایی انحصاری تبدیل می‌کند که از دسترس عموم مردم خارج‌اند. ساختار پژوهش برحسب پرسش‌های آن، از دو بخش اصلی تشکیل شده است:

- بخش نخست: ارزیابی میزان کنترل فضای عمومی در پارک‌های منتخب شهر تهران برحسب ابعاد چهارگانه آن شامل «قوانین و مقررات»، «نظارت و پلیسی‌سازی»، «طراحی و تصویر» و «دسترسی و قلمروبندی»؛
- بخش دوم: بررسی دیدگاه‌های کاربران پارک‌های مورد مطالعه در مورد کنترل فضای عمومی.

بخش نخست با استفاده از چهارچوب تجربی نیمیت و اشمید (۲۰۱۱) انجام شد. روش گردآوری داده‌های این بخش، مشاهده مستقیم و برداشت میدانی بود. بدین صورت که با مراجعه به پارک‌های مورد مطالعه، اطلاعات مربوط به هر متغیر برداشت شد و سپس امتیازدهی متغیرها برحسب شدت حضورشان در پارک‌های مورد نظر صورت گرفت. در پایان، نمره نهایی برای هر پارک محاسبه، و نتایج تحلیل شد. مشاهده طی سه هفته و به‌طور منظم در روزهای اول هفته و تعطیلات آخر هفته صورت گرفت. برای سنجش بخش دوم، از پرسشنامه محقق‌ساخته با دو مؤلفه اصلی براساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای استفاده شد. طراحی پرسشنامه، با توجه به ابعاد چهارگانه کنترل فضای عمومی و در راستای سطح نخست مدل نیمیت و اشمید (ویژگی‌هایی که کاربر را کنترل می‌کنند) صورت گرفت. جامعه آماری این بخش، کاربران پارک‌های مورد مطالعه هستند که به‌طور منظم یا غیرمنظم از این پارک‌ها استفاده می‌کنند. با توجه به مشخص نبودن تعداد مراجعان به پارک‌ها، حجم نمونه براساس حد نهایی فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر مدنظر قرار گرفت که با تقسیم مساوی میان این چهار پارک، برای هر پارک ۹۶ نفر برآورد شد. همچنین به‌منظور اطمینان بیشتر، ۱۰۰ پرسشنامه در هر پارک توزیع شد. روش نمونه‌گیری نیز تصادفی در دسترس بود که جزو روش‌های نمونه‌گیری غیراحتمالی محسوب می‌شود. از مصاحبه و گفت‌وگو با برخی کاربران نیز به‌عنوان روش تکمیلی گردآوری اطلاعات استفاده شد.

دو متخصص فضای عمومی و ۲ نفر متخصص امنیت شهری و طراحی شهر، روایی ابزار اندازه‌گیری را در قالب روایی صوری و محتوایی به‌کمک ارزیابی و بازبینی پرسشنامه تأیید کردند. همچنین پایایی پرسشنامه با مطالعه مقدماتی ۴۰ نمونه (۱۰ نفر از هر پارک)، به روش آلفا محاسبه شد. براساس جدول ۴، هریک از مؤلفه‌ها نتیجه قابل‌قبولی داشتند. مقدار آلفای کل پرسشنامه نیز، ۰/۷۸ به‌دست آمد.

جدول ۴. ابعاد و متغیرهای مورد نظر در پرسشنامه کنترل فضای عمومی

مؤلفه‌های اصلی	متغیرها	تعداد پرسش‌ها	مقدار آلفا
ویژگی‌های عمومی کاربران	جنسیت، سن، استفاده روزانه از فضا، توجه به مسئله کنترل فضا هنگام انتخاب آن برای استفاده	۴	-
کیفیت فضای عمومی	احساس امنیت، احساس راحتی، احساس لذت‌بخش بودن فضا، تمایل به استفاده مجدد از فضا	۴	۰/۸۱
میزان موافقت کاربران با کنترل فضای عمومی	قوانین و مقررات	۸	۰/۷۵
	نظارت و پلیسی‌سازی	۸	۰/۷۸
	طراحی و تصویر	۳	۰/۷۱
	دسترسی و قلمروبندی	۴	۰/۷۶

یافته‌های پژوهش و تجزیه و تحلیل

ارزیابی کنترل فضای عمومی و روش‌های آن در پارک‌های منتخب شهر تهران

تجزیه و تحلیل پرسش نخست در دو بخش صورت گرفت: ارزیابی میزان کنترل فضای عمومی در پارک‌های منتخب و سنجش روش‌های کنترل فضا در پارک‌های منتخب.

ارزیابی میزان کنترل فضا در پارک‌های شهر تهران

برای ارزیابی میزان کنترل فضا، پارک‌های مورد نظر بازدید شد و پس از شناسایی متغیرهای مدل نیمیت و اشمید، امتیازدهی براساس جدول ۵ صورت گرفت.

جدول ۵. امتیاز پارک‌های مورد مطالعه براساس شاخص نیمیت و اشمید

سطح ۲، ویژگی‌های مشوق آزادی در استفاده					سطح ۱، ویژگی‌های کنترل‌کننده کاربر				
پارک شهر	پارک رازی	پارک لاله	پارک ملت	ابعاد کنترل فضای عمومی	پارک شهر	پارک رازی	پارک لاله	پارک ملت	ابعاد کنترل فضای عمومی
۲	۲	۲	۲	علامت‌گذاری عمومی بودن فضا	۲	۱	۱	۱	قوانین نوشتاری قابل مشاهده
۲	۲	۲	۲	مالکیت و مدیریت عمومی فضا	۱	۰	۰	۰	قوانین خاص موضوعی و موردی
۲	۱	۲	۲	وجود سرویس بهداشتی	۲	۲	۰	۰	نظارت در بخش‌های کسب‌وکار
۱	۱	۲	۲	تنوع مکان‌های نشستن	۰	۰	۰	۰	دوربین‌های امنیتی
۱	۱	۲	۲	تنوع اقلیمی	۲	۲	۲	۲	کارکنان حراستی
۲	۲	۱	۲	روشنایی برای تشویق استفاده در شب	۲	۲	۲	۲	کارکنان امنیتی ثانویه
۱	۲	۱	۱	امکان تهیه مواد غذایی	۲	۰	۰	۰	به‌کارگیری تکنیک‌های طراحی
۲	۲	۲	۲	عناصر هنری، فرهنگی و بصری	۰	۲	۱	۱	حضور پشتیبان و تبلیغات
۱	۱	۲	۲	دسترس‌پذیری ورودی‌ها	۲	۲	۲	۰	مناطق دارای استفاده محدود یا مشروط
۲	۱	۱	۱	جهت و شیب دسترسی	۲	۱	۰	۰	محدودیت ساعات کار
۱۶	۱۵	۱۷	۱۸	مجموع امتیازها	۱۵	۱۲	۸	۶	مجموع امتیازها

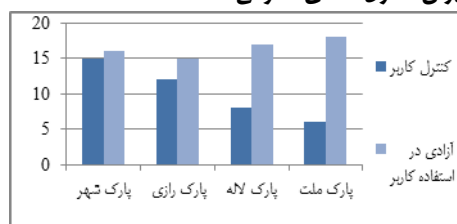
براساس نتایج این مدل از میان چهار پارک مورد مطالعه، پارک شهر با کسب امتیاز ۱ (در طیف ۲۰ تا ۲۰-) بیشترین کنترل را بر کاربران دارد. این پارک قدیمی‌ترین پارک تهران است که در بخش تاریخی شهر قرار دارد. امنیت نخستین چیزی است که با ورود به این پارک در ذهن تداعی می‌شود. قطعاً یکی از دلایل این شاخص، کنترل زیاد فضای پارک است. وجود تعداد زیادی از تابلوهای هشداردهنده، قلمروبندی محوطه پارک، محدود کردن نیمکت‌ها به کمک تکنیک‌های طراحی، کنترل ورودی‌ها توسط کارکنان حراستی (شامل ۸ درب ورودی)، وجود نرده‌های حفاظ در پیرامون پارک، استفاده از نرده در بخش‌های داخلی پارک، وجود پاسگاه انتظامی و محدودیت ساعات کاری پارک، از مصادیق بارز اعمال کنترل زیاد در این پارک است. در مقابل، ویژگی‌های مشوق استفاده از آزادی نیز در این پارک بالاست که به ارتقای کیفیت محیطی آن منجر شده است؛ مانند وجود عناصر هنری، دسترسی فیزیکی و بصری مناسب، طراحی منحصر به فرد، روشنایی مناسب در شب و امکانات تفریحی مناسب.

پارک دیگری که کنترل زیادی بر کاربران دارد پارک رازی است که حاصل تخریب و بازآفرینی منطقه بدنام «شهر نو» است. این پارک در سال ۱۳۷۶ احداث شد و قرارگیری فرهنگسرای رازی در داخل آن، نقشی فرهنگی-تفریحی به آن بخشید. این پارک با امتیاز ۳ در رتبه دوم از نظر میزان کنترل فضای عمومی قرار دارد. محصور شدن پارک با نرده و دیوار، کنترل

ورودی‌ها توسط کارکنان امنیتی و گیت (شامل ۴ ورودی اصلی و ۳ ورودی فرعی)، محدودیت ساعت‌های کاری پارک، پولی‌بودن برخی از بخش‌های فضا و وجود پشتیبان و تبلیغات، آن را به پارکی با محدودیت‌های زیاد مانند سایت اداری تبدیل کرده است. همچنین دسترسی بصری و فیزیکی ضعیف، از مهم‌ترین محدودیت‌های این پارک برای کاربران به‌شمار می‌آید. دو پارک دیگر، یعنی پارک لاله و ملت به‌ترتیب با امتیاز ۹ و ۱۲ در مدل نیمیت و اشمید، رتبه سوم و چهارم را از نظر میزان کنترل فضای عمومی دارند و براساس معیارهای این مدل، دارای ویژگی «بازبودن» هستند. این دو پارک که جزو پارک‌های قدیمی تهران هستند، ویژگی‌هایی دارند که آزادی بیشتر را برای کاربران فراهم می‌کنند. نداشتن نرده و دیوار، بازبودن ورودی‌ها، دسترسی بصری مناسب، استفاده از المان‌های هنری در طراحی، تنوع جایگاه‌های نشستن، موقعیت مکانی و جمعیت‌پذیری مناسب از جمله این ویژگی‌ها هستند. از سوی دیگر، مهم‌ترین محدودیت پارک لاله وجود فضاهای بی‌دفاع، بخش‌های خلوت و دورافتاده است که به‌دلیل بازبودن مرزهای پارک، این نقاط مکانی برای بروز جرائم مختلف است. نبود روشنایی کافی در شب و قطع اتصال بخش‌های مختلف پارک به‌دلیل وجود کاربری‌هایی مانند موزه هنرهای معاصر، بازارچه صنایع‌دستی و موزه فرش از دیگر محدودیت‌های آن هستند. محدودیت‌های پارک ملت نیز شیب دسترسی نامناسب به‌دلیل توپوگرافی پارک و پیوسته‌نبودن بخش‌های درونی پارک است که به ناراحتی کاربر برای جابه‌جایی در بخش‌های داخلی پارک منجر می‌شود.

جدول ۶. وضعیت پارک‌های مورد مطالعه از نظر میزان کنترل فضای عمومی

نام پارک	نمره نهایی	رتبه	نتیجه نهایی ارزیابی
پارک ملت	۱۲	۱	آزادی بیشتر کاربران در استفاده از فضا
پارک لاله	۹	۲	آزادی بیشتر کاربران در استفاده از فضا
پارک رازی	۳	۳	کنترل بیشتر کاربران
پارک شهر	۱	۴	کنترل بیشتر کاربران



ارزیابی روش‌های کنترل فضا در پارک‌های شهر تهران

هر فضای عمومی براساس ساختار فیزیکی خود و تفکر مدیرانش، روش‌های کنترل متفاوتی دارد. برخی از این فضاها با روش‌های نرم و برخی دیگر با روش‌های سخت یا ترکیبی از هر دو کنترل می‌شوند، اما نتایج این مطالعه گویای آن است که در پارک‌های شهر تهران، اغلب از روش‌های کنترل سخت استفاده می‌شود:

کنترل از طریق قوانین و مقررات: قوانین قابل‌مشاهده در پارک‌های مورد بررسی، شامل ممنوعیت آوردن

حیوانات، ورود به محوطه چمن‌کاری، آوردن وسایل نقلیه، شناکردن و نزدیک‌شدن به آب‌نماها، روشن کردن آتش، ریختن آشغال و آسیب‌رسانی به تجهیزات پارک است. ماهیت این قوانین بیشتر ایمنی و کیفیت محیط است و شامل ممنوعیت‌های رفتاری خاص، آن‌گونه که در فضاهای عمومی کشورهای غربی دیده می‌شود نیست. برخی ممنوعیت‌های رفتاری خاص عبارت‌اند از تجمع و توقف بدون هدف، سیگارکشیدن، نوشیدن الکل و مصرف مواد مخدر، قمارکردن، پخش تراکت و آگهی‌های تبلیغاتی، پخش موسیقی با صدای بلند، حرکات یا صداها ناخوشایند، مسدودکردن ورودی‌های فضا و برهم‌زدن نظم عمومی پارک (Németh & Schmidt, 2011) که البته هیچ موردی مبنی بر ممنوعیت این‌گونه رفتارها در پارک‌ها مشاهده نشد، اما این مسئله دلیل بر آزادبودن چنین رفتارهایی نیست؛ زیرا بدیهی است ممنوعیت‌های رفتاری، تابع هنجارها،

فرهنگ و قوانین کلی هر جامعه هستند؛ برای مثال، مصرف الکل و مواد مخدر به دلیل غیرقانونی بودن آن‌ها در همه نقاط کشور، ضرورتی به طرح ممنوعیت در فضاهای عمومی ندارد. به هر حال مشاهده پارک‌ها در روزهای تعطیل (که مصادف با اوج شلوغی آن‌هاست) نشان می‌دهد که کاربران به همین اندک قوانین موجود نیز توجهی ندارند. ورود به محوطه‌های چمن‌کاری‌شده، آوردن حیوانات، ریختن زباله و آسیب‌رسانی به تجهیزات، از جمله موارد نقض قوانین در پارک‌های مورد مطالعه است.

کنترل از طریق روش‌های نظارت و پلیسی‌سازی: به‌کارگیری روش‌های نظارت فیزیکی در پارک‌های

تهران بسیار مورد توجه است. استفاده از گشت حراستی پیاده (در هر چهار پارک)، کنترل ورودی‌ها با استفاده از درب و گیت (پارک رازی)، کنترل ورودی‌ها با استفاده از درب و نگهبان (پارک شهر)، کنترل ورودی‌ها تنها با استفاده از نگهبان (پارک لاله)، استقرار پاسگاه انتظامی در محوطه پارک (پارک ملت و پارک شهر) و استقرار دفتر انتظامات در محوطه پارک (پارک رازی و پارک لاله) از جمله مصادیق این نوع کنترل به‌شمار می‌آید که با مشاهده میدانی ثبت شده است. درباره دوربین‌های امنیتی نیز باید گفت براساس پرسش از انتظامات و کارکنان حراستی پارک‌ها، ایشان وجود هیچ دوربینی را تأیید نکردند. با مشاهده میدانی نیز دوربینی در این پارک‌ها رؤیت نشد. البته این موضوع به دوربین‌های امنیتی عادی مربوط است. در این میان، وجود یا نبود دوربین‌های کنترل نامحسوس موضوعی است که به دلیل قابل‌رؤیت‌نبودن این دوربین‌ها و قابل‌استنادنبودن به آن‌ها، خارج از بحث این پژوهش قرار دارد.



شکل ۱. نمونه‌ای از قوانین و مقررات نوشتاری قابل‌مشاهده در فضای پارک شهر



پارک رازی

پارک لاله

پارک ملت

شکل ۲. نمونه‌ای از قوانین و مقررات نوشتاری قابل‌مشاهده در فضای پارک ملت، پارک لاله و پارک رازی

کنترل از طریق طراحی و تصویرسازی: استفاده از تکنیک‌های طراحی، چندان در پارک‌های تهران متداول

نیست و تنها چند نمونه در پارک شهر، پارک ملت و پارک لاله مشاهده شد که عبارت است از: استفاده از نرده و حصار دور مجسمه‌ها و عناصر آسیب‌پذیر (پارک شهر)، استفاده از نیمکت‌هایی که مانع خوابیدن افراد روی آن‌ها می‌شوند (پارک شهر)، استفاده از نیمکت‌های تک‌نفره و جداگانه (پارک لاله) و تعبیه‌کردن نیمکت و جایگاه‌های نشستن در بعضی بخش‌های خلوت و دورافتاده فضا (پارک لاله و پارک ملت).

کنترل با محدودکردن دسترسی و قلمروبندی: این روش کنترلی تا حدودی در پارک‌های تهران به کار

می‌رود. برخی از این روش‌ها عبارت‌اند از: قلمروبندی عملکردی فضا برای انواع فعالیت‌های ورزشی و تفریحی (پارک رازی)، اختصاص منطقه ویژه به دوچرخه‌سواری و پیاده‌روی (پارک رازی، پارک لاله و پارک شهر)، اختصاص منطقه ویژه برای معلولان و ورزش بانوان (پارک شهر) و اعمال محدودیت ساعت‌های کاری برای پارک (پارک شهر و پارک رازی).



نیمکت‌هایی که امکان استراحت افراد را از بین می‌برد



استفاده از نرده برای حفاظت مجسمه‌ها و المان‌های پارک

شکل ۳. نمونه‌هایی از به‌کارگیری تکنیک‌های طراحی محدودکننده کاربر در پارک شهر

یافته‌های بخش اول این پژوهش را می‌توان در قالب موارد زیر جمع‌بندی کرد:

۱. پارک‌های مورد بررسی، از نظر میزان کنترل به دو گروه تقسیم می‌شوند: پارک‌های دارای کنترل بالا (پارک رازی و

پارک شهر) و پارک‌های دارای کنترل پایین (پارک ملت و پارک لاله) که امتیاز پارک‌های هر گروه نزدیک به هم است.

۲. در پارک شهر از تمامی روش‌های کنترل فضای عمومی استفاده شده است، اما استفاده از قوانین نوشتاری بیش از روش‌های دیگر مشهود است. در مقابل، در پارک رازی از روش‌های نظارت فیزیکی استفاده می‌شود که دلیل آن وجود فرهنگسرا و لزوم کنترل آن است، اما در پارک لاله و پارک ملت از هر چهار روش در حد کم استفاده می‌شود.

۳. علی‌رغم وجود تفاوت‌هایی میان پارک‌ها، در مجموع روش‌های کنترل سخت شامل قوانین و مقررات، نظارت و پلیسی‌سازی بیشتر از روش‌های کنترل نرم به کار رفته‌اند. از میان روش‌های نرم نیز استفاده از محدودیت دسترسی و قلمروبندی فضا بیشتر از به‌کارگیری تکنیک‌های طراحی کاربرد دارد.

۴. مطابقت نتایج این بخش با نظریهٔ فراگیری مالونه (۲۰۰۰) نشان می‌دهد پارک‌های ملت و لاله، به دلیل کم‌رنگ‌بودن مرزهای فیزیکی آن‌ها و بازبودن فضا، فراگیری بیشتری نسبت به دو پارک دیگر دارند، تفاوت‌ها را بیشتر تشویق می‌کنند و آزادی بیشتری به کاربران خود می‌دهند؛ درحالی‌که پارک شهر و پارک رازی، گرایش بیشتری به محروم‌سازی کاربران خود دارند.

بررسی دیدگاه‌های کاربران پارک‌ها در مورد کنترل فضای عمومی

بخش دوم این پژوهش به دیدگاه‌های کاربران پارک‌های منتخب دربارهٔ کنترل فضای عمومی می‌پردازد. یافته‌های این بخش به دو صورت توصیفی و استنباطی ارائه شده است. براساس نتایج پرسشگری، ۵۵ درصد پاسخ‌گویان را مردان و ۴۵ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. کاربران از نظر سنی، در ۶ گروه زیر ۲۰ سال، ۲۰-۳۰ سال، ۳۰-۴۰ سال، ۴۰-۵۰ سال، ۵۰-۶۰ سال و بالای ۶۰ سال طبقه‌بندی شدند. از این میان، بیشترین فراوانی به گروه سنی ۳۰-۴۰ سال با ۳۰ درصد و گروه سنی بالای ۶۰ سال با ۲۵ درصد مربوط است. ۶۰ درصد پاسخ‌گویان به‌صورت روزانه و منظم از پارک‌های مورد نظر استفاده می‌کنند که این امر میان مردان و زنان مساوی است. نتیجهٔ مقایسهٔ پارک‌ها نشان می‌دهد ۸۰ درصد از کاربران پارک ملت به‌صورت روزانه از این پارک استفاده می‌کنند که این رقم قابل توجه است؛ درحالی‌که این رقم برای پارک لاله و رازی ۶۰ درصد و برای پارک شهر حدود ۴۰ درصد است. برحسب نتایج بخش قبلی، پارک شهر و پارک ملت بالاترین و پایین‌ترین نمرهٔ کنترل فضا را به‌دست آورده‌اند؛ از این‌رو به‌نظر می‌رسد هرچه میزان کنترل فضا بیشتر باشد، میزان استفاده‌های روزانهٔ افراد از آن فضا کمتر خواهد بود. البته این فرضیه به پژوهش‌های بیشتری نیاز دارد.

یکی از پرسش‌های مهم این بود که کاربران هنگام انتخاب فضای عمومی برای استفاده، تا چه حد به کنترل فضا به‌عنوان معیاری برای این انتخاب توجه می‌کنند. منظور از توجه به کنترل فضا، در نظر گرفتن جنبهٔ امنیتی آن است. همان‌طور که نتایج پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد، فضاهای کنترل‌شده احساس امنیت بیشتری به کاربران می‌دهند (Francis, 2012; Németh and Schmidt, 2011; Ellin, 1997). براساس نتایج، توجه ۲/۵ درصد از کاربران به این مسئله بسیار کم، ۲۷/۵ درصد کم، ۱۵ درصد متوسط، ۳۵ درصد زیاد و ۲۰ درصد نیز بسیار زیاد است؛ بنابراین ۵۵ درصد از کاربران توجه زیاد و بسیار زیادی به این مسئله دارند. همچنین عامل جنسیت در این خصوص بسیار مهم است؛ به‌طوری‌که در مجموع ۷۱ درصد پاسخ‌گویان زن در حد زیاد و بسیار زیاد به این معیار توجه کرده‌اند. درحالی‌که ۵۰ درصد از مجموع پاسخ‌گویان مرد، هنگام استفاده از فضای عمومی توجه کمی به کنترل آن دارند. این نتیجه همچنان مؤید نتایج پژوهش‌های قبلی در مورد محتاط‌بودن زنان از مردان در انتخاب فضاهای عمومی برای استفاده است (داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۶؛ قادرزاده و خزایی، ۱۳۹۳؛ Phadke, 2007; Viswanath and Mehrotra, 2007).

یکی از مؤلفه‌هایی که ارتباط نزدیکی با کنترل فضای عمومی دارد، کیفیت فضای عمومی است که به کمک چهار پرسش کلیدی سنجیده شده است. متغیرهای این مؤلفه شامل احساس امنیت، احساس راحتی، لذت‌بخش بودن و تمایل به استفاده مجدد از فضا است. براساس نتایج، رضایت کاربران از تمامی متغیرها زیاد است، اما تفاوت‌هایی در پارک‌ها مشاهده می‌شود؛ به طوری که از نظر احساس راحتی، کاربران پارک ملت و پارک رازی به ترتیب بیشترین و کمترین نمره را دارند. بالاترین و پایین‌ترین مقادیر در احساس امنیت، به ترتیب به کاربران پارک شهر و پارک رازی مربوط است. نکته قابل توجه این است که هر دو پارک، با درب ورودی و کارکنان امنیتی کنترل می‌شوند. با این حال، کاربران پارک شهر، احساس امنیت بیشتری از حضور در آن دارند. دلیل این امر می‌تواند نوع طراحی پارک، موقعیت مکانی آن، قابل دید بودن فضا از بیرون (دسترسی بصری) و ملاحظات امنیتی و مدیریتی باشد. متغیر احساس امنیت، بالاترین میانگین را در میان متغیرهای این مؤلفه دارد. از نظر لذت‌بخش بودن نیز پارک ملت، پارک لاله، پارک شهر و پارک رازی به ترتیب در رتبه اول تا چهارم قرار دارند که به نظر می‌رسد این مسئله کاملاً با نوع طراحی آن‌ها مرتبط باشد. تمایل به استفاده مجدد از فضا در میان کاربران پارک ملت و پارک رازی به ترتیب بالاترین و پایین‌ترین میانگین را دارد. البته میانگین هر چهار پارک در این متغیر بالاتر از متوسط است؛ بدین معنا که تمایل کاربران به استفاده مجدد از پارک‌های مورد نظر بالاست. به منظور تعیین رابطه کنترل فضای عمومی و کیفیت فضای عمومی، از آزمون هم‌بستگی پیرسون استفاده شد. بدین صورت که نمرات نهایی پارک‌ها در شاخص کنترل فضای عمومی (شاخص نیمیت و اشمید) با میانگین هریک از متغیرهای کیفیت فضای عمومی به صورت هم‌بستگی آزموده شد که نتایج آن در جدول ۸ آمده است.

جدول ۷. میانگین رضایت از کیفیت فضای عمومی در میان کاربران پارک‌های مورد مطالعه

گویه‌ها	میانگین کل	پارک ملت	پارک لاله	پارک رازی	پارک شهر
احساس راحتی در فضا	۳/۳۴	۴	۳/۶۰	۲/۷۵	۳/۰۳
احساس امنیت در فضا	۳/۶۸	۳/۵۳	۳/۵۵	۳/۳۷	۴/۲۶
احساس لذت در فضا	۳/۳۳	۳/۷۸	۳/۳۶	۲/۸۲	۳/۳۴
تمایل به استفاده مجدد از فضا	۳/۵۸	۳/۷۷	۳/۵۴	۳/۳۹	۳/۶۰

جدول ۸. ضرایب هم‌بستگی پیرسون میان کنترل فضای عمومی و کیفیت فضای عمومی در پارک‌های مورد مطالعه

شرح	میزان کنترل فضا	سطح معناداری	N (تعداد پارک‌ها)
میزان احساس راحتی	-۰/۹۵۰	۰/۰۲۵	۴
میزان احساس امنیت	۰/۴۸۰	۰/۲۶۰	۴
میزان احساس لذت	-۰/۷۳۵	۰/۱۳۳	۴
میزان تمایل به استفاده مجدد از فضا	-۰/۶۳۵	۰/۱۸۲	۴

با توجه به ضرایب، میزان کنترل فضای عمومی رابطه هم‌بستگی منفی با میزان راحتی، لذت و تمایل به استفاده مجدد از فضا و رابطه مثبتی با احساس امنیت کاربران دارد. در هر چهار متغیر، ضرایب هم‌بستگی متوسط و بالا در پارک‌ها مشاهده شد، اما در متغیر احساس راحتی، ضریب هم‌بستگی معنادار و ۰/۹۵ بود که بیان‌کننده هم‌بستگی معکوس بالا میان میزان کنترل فضا و میزان احساس راحتی کاربران در آن فضا است؛ بنابراین می‌توان گفت با افزایش کنترل فضای عمومی، احساس امنیت کاربران افزایش می‌یابد و احساس راحتی، احساس لذت و تمایل به استفاده مجدد از آن فضا کم می‌شود.

همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، برای مشارکت‌دادن کاربران در فرایند تولید و مدیریت فضاهای عمومی، اطلاع از دیدگاه‌های آن‌ها در مورد روندهای اثرگذار بر فضاهای عمومی از جمله کنترل فضا ضروری است؛ بنابراین در ادامه میزان موافقت کاربران با مصادیق کنترل فضای عمومی سنجیده شده است. این موارد شامل انواع روش‌های کنترل فضای عمومی، انواع رفتارهای ممنوع برای کاربران در پارک‌ها و میزان موافقت با حضور گروه‌های حاشیه‌ای در فضای عمومی است. در جدول ۹ میانگین نمرات هم به صورت کلی و هم به تفکیک پارک‌ها آمده است.

نتایج بررسی دیدگاه‌های کاربران در بعد قوانین، نشان‌دهنده دو مسئله مهم است:

۱. تنوع در سلیقه‌ها و دیدگاه‌ها: در مورد متغیرهای مربوط به ممنوعیت‌های رفتاری، تنوع سلیقه‌ها و گوناگونی دیدگاه‌ها میان کاربران پارک‌های مختلف مشاهده می‌شود و نمی‌توان الگویی واحد را در نظر گرفت؛ برای مثال، بسیاری از کاربران پارک شهر، مخالف ممنوعیت سیگارکشیدن در این پارک هستند، اما کاربران سه پارک دیگر عموماً موافق این مسئله‌اند. بدین ترتیب کاربران پارک رازی و پارک لاله ممنوعیت نشستن روی چمن‌ها را تا حد زیادی می‌پذیرند، اما کاربران دو پارک دیگر مخالفت بیشتری با آن دارند.

۲. مخالفت با حضور گروه‌های حاشیه‌ای در فضاهای عمومی: علی‌رغم سلیقه‌ای بودن دیدگاه‌ها در مورد متغیرهای رفتاری، کاربران در هر چهار پارک به میزان بالایی با ورود تکدی‌گران، افراد بی‌خانمان و کودکان کار به پارک‌های مورد نظر مخالف‌اند. این یافته زمینه بحثی مهمی را در مورد حضور گروه‌های حاشیه‌ای در فضاهای عمومی فراهم می‌کند؛ زیرا بسیاری از منتقدان استدلال می‌کنند که کنترل فضای عمومی سبب حذف این گروه‌های حاشیه‌ای از فضا می‌شود. اگر مینا را بر دیدگاه‌های مردم و کاربران فضاهای عمومی قرار دهیم، براساس نتایج این مطالعه مردم اغلب وجود چنین گروه‌هایی را در جامعه نمی‌پذیرند. دلیل این مسئله، همان‌طور که کایدن (۲۰۰۰) می‌گوید این است که مردم و حتی مدیران فضا، معمولاً نمی‌توانند میان هویت و رفتار تمایز اساسی قائل شوند؛ برای مثال اگر شخص بی‌خانمانی می‌خواهد از فضای عمومی استفاده کند، هویت او به‌عنوان بی‌خانمان نباید مانع استفاده او از این فضا شود، اما اگر او رفتاری داشته باشد که به دیگران آسیب برساند و مانع لذت‌بردن دیگران از فضای عمومی شود، باید با او برخورد شود. در پارک‌های مورد مطالعه نیز هویت این گروه‌ها در ذهن کاربران، تداعی‌کننده رفتارهای خاصی است که سبب می‌شود با حضور آن‌ها در فضاهای عمومی مخالفت شود.

در همه موارد بعد نظارت و پلیسی‌سازی، کاربران با این نوع نظارت بر فضا مخالف هستند. تنها کاربران پارک رازی در دو مورد (کنترل با نگهبان و محصوریت پارک با نرده و دیوار) با چنین روش‌هایی موافقت دارند. همچنین کاربران با کنترل نامحسوس فضا و وجود گشت امنیت اخلاقی مخالف هستند. این یافته نیز بیان‌کننده نکته مهمی است؛ زیرا در بحث کنترل فضای عمومی به‌ویژه در ایران، باید ارتباط این مسئله با کنترل «عرصه عمومی» در نظر گرفته شود.^۱ به دلیل قوانین و هنجارهای دینی و عرفی حاکم بر جامعه ایران، عرصه عمومی همواره تحت نظارت و کنترل نهادهای حاکمیتی است و این نوع نظارت اغلب با استفاده از روش‌های پلیسی انجام می‌شود. به همین دلیل کاربران با نظارت بر پوشش و آرایش افراد، کنترل نامحسوس فضا و پلیسی‌سازی آن مخالف‌اند.

در بعد طراحی و تصویر، میانگین هر چهار پارک نزدیک به هم است و کاربران موافقت زیادی با تکنیک‌های طراحی

۱. فضای عمومی بخشی از عرصه عمومی است که به تمام فضاهای خارج از خانه و قلمرو فضای مجازی و مطبوعات اطلاق می‌شود.

برای کنترل فضا دارند. کاربرد این تکنیک‌ها به‌عنوان روش‌های کنترل نرم فضا، شامل کنترل رفتاری و جلوگیری از ورود افراد نامناسب به فضاست. در هر دو مورد میانگین دیدگاه‌ها بالاتر از متوسط، و بیشترین موافقت کاربران با اعمال این تکنیک‌ها برای ممانعت از ورود افراد نامناسب به پارک است؛ بنابراین نتایج این بخش گواه آن است که کاربران پارک‌های شهری تهران، حضور برخی افراد و برخی رفتارها را در فضاهای عمومی نمی‌پذیرند. متغیر دیگر، حضور تابلوها و بیلبوردهای تبلیغاتی است که کاربران موافقت کمی با حضور آن‌ها در فضای پارک‌ها دارند.

همچنین می‌توان گفت کاربران با روش‌های قلمروبندی بیشتر از روش‌های محدودکردن دسترسی موافق هستند. در مجموع می‌توان نتیجه‌گیری کرد که کاربران پارک‌های شهر تهران، با اعمال روش‌های کنترل نرم بر فضای عمومی بیشتر از روش‌های سخت موافقت دارند.

جدول ۹. میزان موافقت کاربران با متغیرهای کنترل فضای عمومی در پارک‌های شهر تهران

ابعاد	گویه‌ها	میانگین کل	پارک ملت	پارک لاله	پارک رازی	پارک شهر
قوانین	میزان موافقت با ممنوعیت سیگارکشیدن	۳/۱۸	۲/۲۷	۳/۳۴	۳/۴۸	۲/۶۱
	میزان موافقت با ممنوعیت نشستن روی چمن‌ها	۲/۸۹	۲/۳۱	۳/۱۵	۳/۲۸	۲/۸۳
	میزان موافقت با ممنوعیت خوابیدن روی نیمکت‌ها	۴/۰۱	۳/۹۸	۴/۴۰	۴/۲۹	۳/۳۶
	میزان موافقت با ممنوعیت اسکیت و دوچرخه‌سواری	۱/۹۱	۱/۸۱	۱/۹۳	۲/۰۲	۱/۸۷
	میزان موافقت با ممنوعیت آوردن حیوانات به پارک	۳	۲/۳۴	۲/۷۹	۳/۷۹	۳/۰۹
	میزان موافقت با ممنوعیت ورود تکدی‌گران به پارک	۴/۲۶	۴/۰۶	۴/۳۴	۴/۶۸	۳/۹۵
	میزان موافقت با ممنوعیت ورود کودکان کار به پارک	۴/۰۷	۲/۵۶	۴/۱۸	۴/۴۸	۴/۰۵
	میزان موافقت با ممنوعیت ورود افراد بی‌خانمان به پارک	۴/۴۰	۴/۳۱	۴/۴۴	۴/۷۸	۴/۰۵
نظارت و پلیسی‌سازی	میزان موافقت با وجود نرده و حصار در پیرامون پارک‌های شهری	۲/۴۵	۲/۰۴	۱/۹۲	۳/۳۹	۲/۴۴
	میزان موافقت با کنترل فضای پارک با استفاده از دوربین	۲/۵۸	۲/۴۶	۲/۴۳	۲/۷۴	۲/۷۰
	میزان موافقت با کنترل ورودی‌های پارک با استفاده از نگهبان	۳	۲/۵۶	۲/۶۹	۳/۸۴	۲/۹۱
	میزان موافقت با کنترل ورودی‌های پارک با استفاده از گیت امنیتی	۲/۳۰	۲/۳۶	۲/۲۸	۲/۱۶	۲/۳۸
	میزان موافقت با کنترل پارک با استفاده از گشت پلیس و مأموران امنیتی	۲/۱۴	۱/۷۴	۲/۱۹	۲/۳۰	۲/۳۳
	میزان موافقت با کنترل نوع پوشش و آرایش افراد	۲/۴۴	۲/۲۰	۲/۲۲	۲/۶۲	۲/۷۳
	میزان استفاده از فضای پارک در صورت اطلاع از وجود کنترل نامحسوس آن	۲/۱۳	۱/۷۳	۱/۹۶	۲/۶۹	۲/۱۴
	میزان استفاده از فضای پارک در صورت اطلاع از وجود گشت امنیت اخلاقی (گشت ارشاد) در داخل یا محدوده نزدیک به پارک	۲/۳۶	۲/۱۰	۲/۱۳	۲/۷۹	۲/۴۲
طراحی و تصویر	میزان موافقت با حضور تابلوها و بیلبوردهای تبلیغاتی در فضای پارک	۱/۹۸	۱/۹۵	۲/۰۹	۱/۹۱	۱/۹۷
	میزان موافقت با به‌کارگیری تکنیک‌های طراحی و معماری برای تنظیم رفتارهای مناسب در فضای پارک	۳/۶۳	۳/۹۰	۳/۳۷	۳/۵۷	۳/۶۶
	میزان موافقت با به‌کارگیری تکنیک‌های طراحی و معماری برای جلوگیری از ورود افراد نامناسب (مانند معنادان و ارادل و اوباش) به فضای پارک	۴/۱۶	۴/۳۵	۳/۸۵	۴/۱۸	۴/۲۴
دسترسی و قلمروبندی	میزان موافقت با قلمروبندی و تفکیک فضای پارک به بخش‌های مختلف (فضای بازی کودکان، فضای قدم‌زدن یا نشستن، فضای خانوادگی و...)	۳/۴۱	۳/۱۶	۳/۳۲	۳/۶۷	۳/۴۸
	میزان موافقت با تفکیک کامل جنسیتی در پارک	۱/۷۶	۱/۸۳	۱/۶۹	۱/۷۰	۱/۸۳
	میزان موافقت با تخصیص فضاهای ویژه به بانوان در کنار حفظ عملکرد عادی پارک	۳/۳۰	۳/۲۴	۳/۳۰	۳/۴۸	۳/۱۸
	میزان موافقت با محدودیت ساعات‌های کاری پارک به زمان‌های مشخصی در روز	۱/۴۷	۱/۴۰	۱/۳۵	۱/۶۰	۱/۵۴

شایان ذکر است که «سن» و «جنسیت» از متغیرهای مهم و اثرگذار بر استفاده از فضاهای عمومی است (ژیلینتس، ۱۳۹۴؛ Wilson, 1992; Shearer and Walters, 2015; Bagheri, 2017); از این رو در ادامه به مقایسه نگرش کاربران در مورد ابعاد چهارگانه کنترل فضای عمومی بر حسب این دو متغیر پرداخته می‌شود. همچنین مقایسه‌ای میان خود پارک‌ها صورت می‌گیرد تا تفاوت میان کاربران هر پارک نیز مشخص شود. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، کاربران پارک‌های مورد بررسی از نظر سنی شامل شش گروه هستند که از میان آن‌ها دو گروه ۳۰-۴۰ سال و بالای ۶۰ سال بیشترین فراوانی را دارند (۵۵ درصد)؛ بنابراین در بررسی متغیر سن، این دو گروه با هم مقایسه شدند. در متغیر جنسیت نیز مقایسه میان زنان و مردان صورت گرفت. برای این منظور، ابتدا گویه‌های هریک از ابعاد چهارگانه کنترل فضای عمومی با تکنیک Compute تجمیع و هر کدام به متغیری واحد تبدیل شدند. سپس با توجه به نرمال بودن توزیع داده‌ها، آزمون تی مستقل برای متغیر سن و جنسیت و آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه برای پارک‌ها اجرا شد. در متغیر سن، با توجه به نتایج جدول‌های ۱۰ تا ۱۳، به جز بعد «طراحی و تصویر»، در سایر ابعاد، میانگین‌ها در گروه سنی بالای ۶۰ سال بیشتر از گروه سنی ۳۰-۴۰ سال است؛ یعنی گروه‌های سنی بالای ۶۰ سال، موافقت بیشتری با کنترل فضای عمومی از طریق «قوانین و مقررات»، «نظارت و پلیسی‌سازی» و «دسترسی و قلمروبندی» دارند، اما در بعد «طراحی و تصویر» اختلافی میان دو گروه سنی وجود ندارد.

جدول ۱۰. نتیجه آزمون تی مستقل برای گروه‌های سنی ۳۰-۴۰ سال و بالای ۶۰ سال^۱

مؤلفه‌ها	آزمون لوین		آزمون تی مستقل		
	نسبت F	Sig	آماره t	درجه آزادی	Sig (دو دامنه)
قوانین	۱۸/۴۶	۰/۰۰	-۱۰/۸۹۵	۲۱۸	۰/۰۰
نظارت و پلیسی‌سازی	۱۹/۵۹	۰/۰۰	-۸/۷۶۳	۲۱۸	۰/۰۰
طراحی و تصویر	۰/۳۷۱	۰/۵۴۳	۰/۲۹۸	۲۱۸	۰/۷۶۶
دسترسی و قلمروبندی	۰/۳۲۲	۰/۵۷۱	-۶/۵۴۵	۲۱۸	۰/۰۰
برابری واریانس‌ها					
نابرابری واریانس‌ها					
اختلاف میانگین‌ها					
حد پایین					
حد بالا					

همچنین نتایج این آزمون برای متغیر جنسیت نشان می‌دهد در روش‌های کنترل سخت (قوانین و مقررات و نظارت و پلیسی‌سازی) تفاوتی میان نگرش‌های مردان و زنان وجود ندارد، اما در روش‌های کنترل نرم (طراحی، تصویر، دسترسی و قلمروبندی)، میانگین گروه زنان بیشتر از مردان است. در واقع، موافقت زنان با اعمال روش‌های کنترل نرم مانند تکنیک‌های طراحی و قلمروبندی بر فضای پارک‌ها بیشتر از مردان است.

برای اطلاع از تفاوت پارک‌ها، همه متغیرهای مؤلفه دوم پرسشنامه (مؤلفه کنترل فضای عمومی) تجمیع و به متغیری واحد تبدیل شدند. این متغیر جدید «میزان موافقت با تشدید کنترل فضای عمومی» نام‌گذاری شد. سپس آزمون لوین^۲ اجرا شد و به دلیل برابری واریانس‌ها، آزمون تعقیبی توکی به کار رفت.

۱. به منظور کاهش حجم مقاله، از آوردن آماره‌های توصیفی آزمون تی مستقل صرف نظر شد.

2. Levene Statistic

جدول ۱۱. نتیجه آزمون تی مستقل برای گروه زنان و مردان

مؤلفه‌ها	آزمون لوین		آزمون تی مستقل			
	نسبت F	Sig	اماره t	درجه آزادی	Sig (دو دامنه)	اختلاف میانگین‌ها
قوانین	۲۴/۷۶	۰/۰۰	-۰/۶۲۹	۳۹۸	۰/۵۳۰	حد پایین
						حد بالا
نظارت و پلیسی‌سازی	۰/۷۳۵	۰/۳۹۲	۱/۰۷۷	۳۹۸	۰/۲۸۲	حد پایین
						حد بالا
طراحی و تصویر	۷/۲۶۴	۰/۰۰۷	-۲/۷۸۹	۳۹۸	۰/۰۰۶	حد پایین
						حد بالا
دسترسی و قلمروبندی	۱۴/۱۶	۰/۰۰	-۴/۶۲۴	۳۹۸	۰/۰۰	حد پایین
						حد بالا

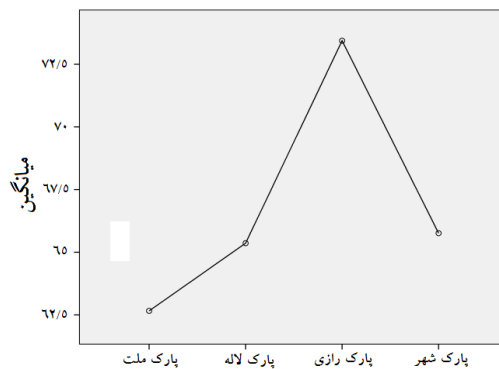
جدول ۱۲. نتیجه آزمون تحلیل واریانس برای میزان موافقت با تشدید کنترل فضای عمومی

آزمون لوین	شرح	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	نسبت F	سطح معناداری
مقدار سطح معناداری	بین گروه‌ها	۶۴۳۸/۴۳۰	۳	۲۱۴۶/۱۴۳	۲۸/۹۱۱	۰/۰۰
	درون گروه‌ها	۲۹۳۹۶/۳۶۰	۳۹۶	۷۴/۲۳۳		
	مجموع	۳۵۸۳۴/۷۹۰	۳۹۹			

جدول ۱۳. نتایج تحلیل تعقیبی توکی

گروه ۱	گروه ۲	اختلاف میانگین دو گروه	سطح معناداری	وجود تفاوت معنادار
پارک ملت	پارک لاله	-۲/۷۰۰	۰/۱۲۱	
	پارک رازی	-۱۰/۷۸۰*	۰/۰۰	✓
	پارک شهر	-۳/۱۰۰	۰/۰۵۵	
پارک لاله	پارک ملت	۲/۷۰۰	۰/۱۲۱	
	پارک رازی	-۸/۰۸۰*	۰/۰۰	✓
	پارک شهر	-۰/۴۰۰	۰/۹۸۸	
پارک رازی	پارک ملت	۱۰/۷۸۰*	۰/۰۰	✓
	پارک لاله	۸/۰۸۰*	۰/۰۰	✓
	پارک شهر	۷/۶۸۰*	۰/۰۰	✓
پارک شهر	پارک ملت	۳/۱۰۰	۰/۰۵۵	
	پارک لاله	۰/۴۰۰	۰/۹۸۸	
	پارک رازی	-۷/۶۸۰*	۰/۰۰	✓

* اختلاف میانگین‌ها در سطح ۰/۰۵ معنادار هستند.



شکل ۴. میزان موافقت کاربران پارک‌های مورد مطالعه با تشدید کنترل فضای عمومی

براساس نتایج تحلیل تعقیبی، تفاوت میانگین تنها میان پارک رازی و سایر پارک‌هاست. براین اساس، کاربران پارک رازی بیشترین موافقت را با تشدید کنترل فضای عمومی دارند، اما نمرات پارک‌های دیگر، نزدیک به هم و پایین‌تر است. با مقایسه پارک رازی و پارک ملت به‌عنوان سایت‌هایی که بیشترین و کمترین میانگین را دارند، می‌توان به نتیجه چشمگیری درباره اختلاف نگرشی کاربران دست یافت که متأثر از کیفیت محیطی و فضایی این پارک‌هاست. براساس نتایج ارزیابی بخش اول، پارک ملت کمترین میزان کنترل کاربران را دارد، اما کاربران همین مقدار کنترل اندک را نیز نمی‌پذیرند و به نظر آن‌ها، شرایط استفاده از این پارک، آزادی آن‌ها را محدود کرده است. درحالی‌که در پارک رازی علی‌رغم کنترل زیاد، کاربران خواهان اعمال کنترل بیشتر بر فضای پارک هستند.

برای اطلاع از دلایل این مسئله، با مراجعه مجدد به پارک رازی، با برخی کاربران گفت‌وگو شد. آن‌ها به مواردی اشاره کردند که در پرسشنامه مدنظر نبود. با اینکه نتایج پرسشگری مرحله قبل نشان داد که کاربران در این پارک احساس امنیت بالایی دارند، اظهارنظرهای شفاهی کاربران حاکی از وضعیت نامناسب محله هلال احمر در منطقه ۱۱ تهران است که موجب سرایت ناامنی به درون این پارک می‌شود. براساس دلایل زیر، کاربران پارک رازی خواهان نظارت بیشتر بر فضای این پارک هستند: ناامن بودن کلی محله، تجمع بزهکاران و خرید و فروش کنندگان مواد مخدر که از پارک به‌عنوان پاتوق خود استفاده می‌کنند، وجود تعداد زیادی از کارگران افغانی که در فضای پارک ایجاد مزاحمت می‌کنند، وجود کاربری‌هایی مانند بورس موتورسیکلت و لوازم ماشین‌های سنگین و صنعتی که حضور مردان را در محله افزایش می‌دهد، تجمع پسران جوان و بیکار در پارک که با تولید نوعی فضای جنسیتی مردانه و ایجاد مزاحمت برای زنان و دختران، مانع از حضور زنان در پارک می‌شوند؛ بنابراین قرارگیری پارک‌های شهری در محله‌های ناامن و ترس از جرم ناشی از آن‌ها، به شکل‌گیری مدلی از کنترل فضا منجر می‌شود که وان‌ملیک و همکاران (۲۰۰۷) آن را «تأمیل دوطرفه برای کنترل فضا» می‌نامند. براساس این الگو، هم مردم و هم نهادهای مدیریتی، در توافقی نانوشته خواهان اعمال کنترل بیشتر بر فضاهای عمومی می‌شوند.

نتیجه‌گیری

کنترل فضا یکی از روندهای تأثیرگذار بر تولید و مدیریت فضاهای عمومی است که در سال‌های اخیر مدنظر پژوهشگران مسائل شهری قرار گرفته است. از دیدگاه برخی منتقدان، فضاهای عمومی در طول زمان به‌طور فزاینده‌ای محدود و

کنترل می‌شوند. ارزیابی کنترل فضاهای عمومی به آن‌ها اجازه می‌دهد تا ضمن پایش و نظارت مستمر بر این فرایند، مانع تغییر و شدت یافتن کنترل شوند. از سوی دیگر، پرداختن به موضوع کنترل فضای عمومی از دیدگاه کیفیت محیطی نیز بسیار اهمیت دارد. اینکه فضاهای عمومی ما تا چه حد تفاوت‌ها را تشویق می‌کنند، بحث مهمی است که بر استفاده از این فضاها و دعوت‌کنندگی آن‌ها تأثیرگذار است. عمومیت در دسترس‌پذیری و فراگیربودن فضا برای تمام گروه‌های اجتماعی، نشان‌دهنده جامعه‌پذیری بالاتر شهر است؛ یعنی فضایی که آزادی استفاده، آزادی در رفتار و آزادی در دسترسی را تشویق می‌کند، فضای بازتر و دموکراتیک‌تری است. از میان پارک‌های مورد مطالعه در این پژوهش، دو پارک ملت و لاله چنین ویژگی‌هایی داشتند. با این حال در فرایند برنامه‌ریزی برای تولید فضاهای عمومی، توجه به این پرسش کلیدی اهمیت دارد که ما چه نوع فضای عمومی را برای چه کسانی می‌خواهیم؛ از این‌رو آگاهی از دیدگاه‌های کاربران و گروه‌های استفاده‌کننده از فضاهای عمومی ضروری است. زیرا در میان گروه‌های اجتماعی ساکن در مناطق مختلف شهر، ممکن است سطح مشخصی از کنترل فضای عمومی ترجیح داده شود یا شاید کاربران فضای عمومی، نگرش‌های متفاوتی به روش‌های کنترل و شدت کنترل آن فضا داشته باشند. با توجه به آنچه بیان شد، پژوهشگران می‌توانند به کمک ارزیابی کنترل فضای عمومی در چندین سایت مختلف و نظرسنجی از کاربران آن‌ها، مشخص کنند که آیا چنین ترجیحاتی وجود دارد یا خیر. همان‌طور که نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد، این ترجیحات در میان کاربران پارک‌های مورد مطالعه، کاملاً مشهود است. در این میان، دو عامل جنسیت و سن نقشی تعیین‌کننده‌ای در ترجیحات کاربران از روش‌های کنترل فضا دارند. از نتایج دیگر پژوهش این است که کاربران فضاهای عمومی شهر تهران، ظرفیت تحمل پایینی برای حضور گروه‌های اجتماعی نامطلوب دارند. این مسئله بیش از آنکه معلول رفتارهای نامناسب این گروه‌ها باشد، با ساختارهای اجتماعی- فرهنگی و ماهیت زندگی عمومی در ایران مرتبط است که وجود چنین گروه‌هایی را در جامعه بر نمی‌تابد. این نتیجه، مشابه چیزی است که دیویس (۲۰۰۶) و سیبریسی (۱۹۹۹) در مورد شهرهای لس‌آنجلس، نیویورک و توکیو ذکر کرده‌اند.

نکته بعد این است که اصولاً در بحث کنترل فضای عمومی، توجه به نقش پارادایم‌های تولید فضا که متأثر از ساختارهای کلان اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی هر جامعه است، ضروری به‌شمار می‌آید و بدون تحلیل نقش این عوامل کلان، نمی‌توان از کنترل فضا سخن گفت. همان‌گونه که لوفور می‌گوید: هر جامعه‌ای فضای خاص خود را تولید می‌کند؛ بنابراین، شیوه‌های اعمال نظارت و کنترل بر فضاهای عمومی تابعی از قوانین کلی آن جامعه، ایدئولوژی‌ها، نظام سیاسی و فرهنگ رفتاری مردم آن جامعه است. کنترل فیزیکی فضای عمومی که در این پژوهش بدان پرداخته شد، تنها بخشی از ساختار کلان تولید فضا است که خود این ساختار در ارتباط با نحوه سیاست‌گذاری عرصه عمومی تعریف می‌شود. در واقع، تفاوت در نحوه نگرش به عرصه عمومی در نظام‌های سیاسی مرز میان «عمومی» و «خصوصی» را مشخص می‌کند و در نتیجه بر روش‌های کنترل فضای عمومی اثر می‌گذارد؛ بنابراین پژوهش‌های آتی می‌توانند بر نقش نیروهای سیاسی، اجتماعی و نهادی در کنترل و مدیریت فضای عمومی تمرکز کنند. در پایان باید گفت با وجود اینکه تنوع کاربران، سلیق بسیار و انتظارات متفاوت آن‌ها از میزان و چگونگی کنترل فضای عمومی، رسیدن به استاندارد مشخص در این زمینه را دشوار می‌کند. با این حال، فرایند ساخت، مدیریت و تغییر فضاهای عمومی باید دربرگیرنده پروسه دموکراتیک و باز باشد تا ایده‌ها و منافع افراد و گروه‌های گوناگون را تا حد امکان در نظر بگیرد.

منابع

- اشرفی یوسف و احمد پورا احمد، ۱۳۹۴، *مدرنیته و تحولات فضای عمومی شهری*، چاپ نخست، پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی، تهران.
- اشرفی یوسف و همکاران، ۱۳۹۳، «مفهوم‌سازی و گونه‌شناسی فضای عمومی شهری معاصر»، پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، دوره دوم، شماره ۴، صص ۴۳۵-۴۶۴.
- داداش پور، هاشم، یزدانین، احمد و وحید کشت‌کار، ۱۳۹۶، «شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های مؤثر بر حضور عادلانه زنان در فضای عمومی شهری (مطالعه موردی: بوستان شوش تهران)»، زن در توسعه و سیاست، دوره پانزدهم، شماره ۱، صص ۲۱-۴۳.
- ژیلنیتس، آندژی، ۱۳۹۴، *فضا و نظریه اجتماعی*، ترجمه محمود شورچه، چاپ نخست، انتشارات پرهام نقش، تهران.
- شفیعی، معصومه و فردین علیخواه، ۱۳۹۳، «فضا و بازتولید قدرت (مطالعه‌ای درباره تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌های تهران)»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره هفتم، شماره ۱، صص ۹۵-۱۲۲.
- قادرزاده، امید و سارا خزایی، ۱۳۹۳، «مطالعه کیفی دلالت‌های معنایی احساس ناامنی زنان در فضاهای عمومی»، زن در توسعه و سیاست، دوره دوازدهم، شماره ۳، صص ۴۰۵-۴۲۴.
- Altman, I., and Zube, E. H., 2012, *Public Places and Spaces*, Springer, Berlin Heidelberg.
- Amin, A., 2008, *Collective Culture and Urban Public Space*, City, Vol. 12, No. 1, PP. 5-24.
- Banerjee, T., 2001, *The Future of Public Space: Beyond Invented Streets and Reinvented Places*, Journal of the American Planning Association, Vol. 67, No. 1, PP. 9-24.
- Carmona, M., 2010, *Contemporary Public Space, Part Two: Classification*, Journal of Urban Design, Vol. 15, No. 2, PP. 157-173.
- Carr, S. et al., 1992, *Public Space*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Cuthbert, A. R., 1995, *The Right to the City: Surveillance, Private Interest and the Public Domain in Hong Kong*, Cities, Vol. 12, No. 5, PP. 293-310.
- Cybriwsky, R., 1999, *Changing patterns of urban public: Observations and assessments from the Tokyo and New York metropolitan areas*, Cities, Vol. 16, No. 4, PP. 223-231.
- Davis, M., 1992, *Fortress Los Angeles: The Militarization of Urban Space*, In Michael Sorkin (Ed.), *Variations on a Theme Park* (PP. 154-180), New York: Noonday Press.
- Davis, M., 2006, *Fortress L.A. in City of Quartz: Excavating the Future of Los Angeles*, Verso Publications, PP. 240-263.
- Ellin, N., 1997, *Postmodern Urbanism*, New York: Princeton Architectural Press.
- Flusty, S., 2001, *The Banality of Interdiction: Surveillance, Control and the Displacement of Diversity*, International Journal of Urban and Regional Research, Vol. 25, No. 3, PP. 658-664.
- Francis, M., 2012, *Control as a Dimension of Public-Space Quality*, In Altman, Irwin; Zube, Erwin H (2012), *Public Places and Spaces*, 2012 th Ed., Springer, Berlin Heidelberg.
- Geyh, P., 2009, *Cities, Citizens and Technologies: Urban Life and Postmodernity*, Taylor and Francis Group: New York, London.
- Graham, S., 2011, *Cities Under Siege: The New Military Urbanism*, London: Verso.
- Kayden, J. S., 2000, *Privately Owned Public Space: The New York City Experience*, New York: Wiley.

- Kohn, M., 2004, *Brave New Neighborhoods: The Privatization of Public Space*, Routledge: New York and London.
- Kruppa, F., 1993, *The Privatization of Public Space*, MA, Thesis, Available At: <http://Simple-Is-Beautiful.Org/Fredek/Pps.Html>, Accessed July 20, 2018.
- Lefebvre, H., 1991, *The Production of Space*, Oxford, Blackwell.
- Mitchell, D., 1995, *The End of Public Space? People's Park, Definitions of the Public, and Democracy*, *Annals of the Association of American Geographers*, Vol. 85, No. 1, PP. 108–133.
- Németh, J., 2004, *Redefining Security in Public Space: The Case of LOVE Park*, *IEEE Technology and Society*, Vol. 23, No 4, PP. 19–20.
- _____, 2006, *Conflict, Exclusion, Relocation: Skateboarding and Public Space*, *Journal of Urban Design*, Vol. 11, No. 3, PP. 297–318.
- _____, 2010, *Security in Public Space: An Empirical Assessment of Three US Cities*, *Environment and Planning A*, Vol. 42, No. 10, PP. 2487–2507.
- Németh, J., and Hollander, J., 2010, *Security Zones and New York City's Shrinking Public Space*, *International Journal of Urban and Regional Research*, Vol. 34, No. 1, PP. 20–34.
- Németh, J., and Schmidt, S., 2011, *Publicly Accessible Space and Quality of Life: A Tool for Measuring the Openness of Urban Spaces*, In *Quality-of-life Community Indicators for Parks, Recreation and Tourism Management*, (PP. 41–66), Edited by Megha Budruk, Rhonda Phillips, London: Springer.
- Oc, T., Tiesdell, S., 1999, *The Fortress, The Panoptic, The Regulatory and the Animated: Planning and Urban Design Approaches to Safer City Centres*, *Landscape Research*, Vol. 24, No. 3, PP. 265–286.
- Paddison, R., and Sharp, J., 2007, *Questioning the End of Public Space: Reclaiming Control of Local Banal Spaces*, *Scottish Geographical Journal*, Vol. 123, No. 2, PP. 87–106.
- Pennaya, A., Mantona, E., and Savic, M., 2014, *Geographies of Exclusion: Street Drinking, Gentrification and Contests Over Public Space*, *International Journal of Drug Policy*, Vol. 25, No. 1, PP. 1048–1093.
- Phadke, S., 2007, *Dangerous Liaisons: Women and Men: Risk and Reputation in Mumbai*, *Economic and Political Weekly*, Vol. 42, No. 17, PP. 1510–1518.
- Schmidt, S., Németh, J., and Botsford, E., 2011, *The Evolution of Privately Owned Public Spaces in New York City*, *Urban Design International*, Vol. 16, No. 4, PP. 270–284.
- Sennett, R., 2002, *The Fall of Public Man*, New York: Penguin Book Press.
- Shearer, Scott; Walters, Peter (2015), *Young People's Lived Experience Of The 'Street' In North Lakes Master Planned Estate*, *Children's Geographies*, Vol 13, No 5, Pp. 604–617.
- Sorkin, M., 1992, *Variations on a Theme Park: The New American City and the End of Public Space*, New York: Hill and Wang Press.
- Thörn, C., 2011, *Soft Policies of Exclusion: Entrepreneurial Strategies of Ambience and Control of Public Space in Gothenburg*, Sweden, *Urban Geography*, Vol. 32, No. 7, PP. 989–1008.
- Van M. et al., 2007, *Fear and Fantasy in the Public Domain: The Development of Secured and Themed Urban Space*, *Journal of Urban Design*, Vol. 12, No. 1, PP. 25–42.
- Viswanath, K., and Mehrotra, S. T., 2007, *Shall We Go Out? Women's Safety in Public Spaces in Delhi*, *Economic and Political Weekly*, Vol. 42, No. 17, PP. 1542–1548.
- Whyte, W. H., 1990, *City: Rediscovering The Center*, New York: Doubleday.

- Wilson, E., 1992, *The Sphinx in the City: Urban Life, The Control of Disorder, And Women*, Berkeley: University of California Press.
- Ashrafi, Y., and Pourahmad, A., 2015, *Modernity and Developments in Urban Public Space*, Academic Center of Education, Culture and Research, Tehran (*In Persian*)
- Ashrafi, Y. et al., 2015, *Conceptualization and Typology of Contemporary Urban Public Space*, Journal of Geographical Urban Planning, Vol. 2, No. 4, PP. 435-464. (*In Persian*)
- Bagheri, N., 2017, *Tehran's Subway: Gender, Mobility, and the Adaptation of the 'Proper' Muslim Woman*, Social and Cultural Geography, DOI: 10.1080/14649365.2017.1356364. (*In Persian*)
- Dadashpour, H., Yazdani, A., and Keshtkar, V., 2017, *Identification and Analysis of the Influential Factors on Women's Presence in Public Space (Case Study: Shoosh Park in Tehran)*, Women in Development and Politics, Vol. 15, No. 1, PP. 21-43. (*In Persian*).
- Ghaderzade, O., and Khazaie, S., 2014, *A Qualitative Study of Semantic Implications Women's Sense of Insecurity in Public Spaces*, Women in Development and Politics, Vol. 12, No. 3, PP. 405-424. (*In Persian*).
- Shafiei, M., and Alikhah, F., 2014, *Space and Reproduction of Power (A Study on the Gender Segregation in Tehran Universities)*, Journal of Iranian Cultural Research, Vol. 7, No. 1, PP. 95-122. (*In Persian*).
- Zieleniec, A., 2015, *Space and Social Theory*, Translated by Mahmoud Shourcheh, Parhamnaghsh Publication, Tehran. (*In Persian*).